

نجمه

۱۳۲۹

شماره پنجم

شماره ۲ جمادى الأولى

فهرست مندرجات

- ۱ لوح عتره که با افتخار مدیر مجله مشرفی لندن نازل شده است
- ۲ خطابه مبارکه در مجلس اسپرانتویستهای ادرین بورك
- ۳ لوح مبارکه که با افتخار سزچارلز ماسون برمی نازل شده است
- ۴ انعقاد پنجمین عومی بهائى در شهر نیویورک
- ۵ تبریک نامه عید سعید مبارک نبیروز از انگلستان
- ۶ اخبار جهات - از پاریس، لندن، از همدان
- ۷ چاپ مجموعه رسورها و مکسهای جمیع نقاط و مراکز مقدسه

Address: Najme Bakhtar, P. O. Box 283, Chicago, Ill., U.S.A.

صفحة اول ۱
 جلد چهارم ۴
 شماره دور ۲
 قیمت اشتراك
 آوریل ۹

جنگل انگریز

۱۳۲۹

PAGE 1
 VOL. IV
 No 2
 سالی دوازده قرابت
 مالا جلال نشه

ایر جریده بر حسب تاریخ بهائی هر نوزده روز چاپ و توزیع میگردد و در نهایت آزادی در مسائل گوناگونی بشر و وحدت ادیان و انتشار علوم و فنون این قرن و تربیت اطفال و پیشرفت امر حضرت بهاء الله در اطراف جهان و توضیح حقائق این دین عسری خواهد نوشت و مقالات مفید که موافق سبک ادب است قبول و نشر خواهد گردید

لوح غراء

لوح غراء بجهت مدیر مجله شرقی لندن
 "The Asiatic Quarterly Review"
 از قلم مبارک حضرت عبدالبهاء نازل شده

مدیر مجله شرقی لندن

دوست محترم من نامه شما رسید از ان روابط روحانی که منبعث از جان و وجدان بود نهایت سرور حاصل شد در این سفر هر چند مشهور و واضح گسردید که عالم غریب در مذمت مادیه ترقیات فوق العاده نموده ولی مذمت الهیه نزدیک است که یکی فراموش شود زیرا جمیع افکار در عالم طبیعت غرق گردید هر چه هست جلوه جهات طبیعت است نه جلوه الهی و چون در عالم طبیعت نقائص بسیار لهذا انوار مدنیت الهیه پنهان و طبیعت حکمان شده است در عالم طبیعت قوه اعظم تنازع در مقامات و این مانع در بقا مبداء و منشأ جمیع مشکلات و سبب جنگ و جدال و عداوت و بغض و بین جمیع بشر است

زیرا در عالم طبیعت ظلم و خود پسندی و ارزوی غلبه و تعذی بر حقوق سائرین و صفات غیر مبرکه که از ذرات عالم حیوانی است موجود پس بقضای طبیعت بین بشر حکمان است فلاح و نجاح بحال زیرا فلاح و نجاح عالم انسانی بقضایل و خصایلی است که زینت حقیقت انسان است و ان مخالف مقتضای طبیعت است طبیعت جنگجویان طبیعت خورخوار است طبیعت ستمکار است طبیعت غافل از حضرت پروردگارا است این است که ملاحظه مینمایید که این صفات در زندگی در عالم حیوانی طبیعی است لهذا حضرت پروردگار محض لطف و عنایت بعثت رسول و انزال کتب فرمودند تا به تربیت الهی عالم انسانی از فساد طبیعت و ظلمت نادانی نجات یافته بکمال معنوی و احسان و جلالی و فضائل روحانی موفقی گردند و منصفان سنوجات رحمانی شود این است مدنیت الهی امروز در عالم انسانی مدنیت مادی مانند حجاج در نهایت لطافت است ولی هزار افسوس که این زجاج محرومان سراج است و سراج مدنیت الهیه است که مظاهر مقدسه الهیه مؤمنان آند باری چون این قرن قرن انوار است قرن ظهور حقیقت است قرن ترقیات است

هزار افسوس که هنر خرد بین بشر تعصبات جاهلیه و منافات طبیعیه و خصوصیت و عدالت در نهایت تباخت است و جمیع این ضررها از آن است که مدنیته الهیه بکلی از میان رفت و تعالیم نبی آفرینش گریه مثل نقر تورات است که جمیع بشر خلق جهاند و در ظل لطف پروردگار نه خلق شیطان نقر انجیل است که آثار الهی بر مطیع و عاصی بر تو انداخته و در قرآن میفرماید **لَا تَرَىٰ فِي خَلْقِ الرَّحْمَٰنِ مِن تَفَٰوُتٍ** این است اساس مظاهر الهیه و لی هزار افسوس که سوء تفاهم بکلی بنیان بسیار بر انداخته لهذا دین که باید بسبب محبت و الفت باشد و مؤثر عالم انسانی گردد سبب بغض و عداوت گردید ۱۰ شرح هزار سال است که در بین بشر خونریزی و درندگی است که از خصائص عالم حیوانی است و بظواهر نام تعصب دینی و تعصب جنسی و تعصب نژاد و قبیله بر پیشه عالم انسانی مینندد صد هزار افسوس!

باری من در جمیع ممالک غرب سیاحت نمودم و در جمیع مجامع و کنائس عظمی بموجب تعالیم حضرت بهاء الله اعلان وحدت عالم انسانی نمودم و ترویج صلح عمومی کردم نعم زبان جمیع را بملکوت الهی دعوت نمودم که الحمد لله شمس حقیقت از افق شرق در نهایت لمعان اشراق نمود و بر جمیع آفاق پرتوانداخته پرتو او تعالیم آسمانی است و ان اعلان وحدت عالم انسانی است و ترویج صلح عمومی و محرمی حقیقت و تاسیس الفت و محبت بقوه حیانت و تطبیق علم و عقل و دین و ترک تعصب دینی و جنسی و دنیوی و سیاسی و تعمیم معارف عمومی و حکیم حکمه کبریه عمومی که حل مشکلات مسائل مختلفه بین ذوی الملک و بین المللی نماید و تربیت عموم انانیت نظیر حال در جمیع فضائل

انسانی و حل مسائل اقتصادی و تاسیس انسان عمومی و امثال ذلك تا عالم انسانی از ظلمت ضلالت نجات یابد و بمطلع انوار هدایت رسد و بکلی این نزاع و جدال و خصوصیت و عداوت در بین بشر از میان بر افتد و سوء تفاهمی که بین ادیان است زائل گردد زیرا اساس ادیان الهی یکی است و ان وحدت عالم انسانی است

المجوده در امر یکجا گوش های باز یافتم و نفوسی همدرد و همدل گردیدم که مقاصدان نفوس الفاء الفت بین جمیع بشر است و نهایت آرزو و ترقیات فوق العاده عالم انسانی و همچنین در لندن نفوس مبارکی را ملاقات کردم که بجان و دلخواه الفاء محبت و الفت در بین بشر میکوشند امیدم چنان است که روز بروز این افکار عالمی انتشار یابد و این مقاصد خیریه جلو نماید تا جمیع ملل عالم مظاهر سنوحات رحمانیه گردند و همه بین ادیان و اقوام نزاع و جدالی نماند این است عزت ابدیه این است سعادت سرشده این است جنت عالم انسانی

زبان اسپرانتو

وحدت
خطابه مبارکه که در مجلس اسپرانتویستهای ایران ایراد [اسکاتلند] بعد از اوصاف رئیس مجلس و سایر پروفترها و مسترها در ذکر حضرت عبدالبهاء ۹ جنوری ۱۹۱۳ فرمودند :-

از احسانت و جدانیه سترها خیل ممنونم فی الحقیقه آنچه فرمودند ستایش خود ایشان است زیرا دلیل بر احسانت و فضلانه بود دلیل بر علو همت و انتشار

توانه

لشانی سپر انقباض و این سبب مراد عمومیست چرا که هر چه در عالم انسانی بسیار اختلاف شود مفید است و هر چه بسیار اختلاف و تفریق مضرات است این قرن قرن نور است اکتشافاتش بسیار است اختراعاتش بسیار و شرفها بسیار و بسبب این آثار از سایر قرون ممتاز و اعظم شرع این قرن وحدت العالم انسانی است همچنین وحدت لشانی بین الفتن بین قلوب است بسبب حصول اتحادات سبب زوال سوء تفاهم است سبب ظهور حقیقتات بسبب جهت جمع بیشتر است و بسبب تفهیم و تفهم است که احقر امور در عالم انسانی است هر فردی از افراد بشر بجهت وحدت لشانی میتواند بر افکار عموم بشر اطلاع یابد بسبب وحدت لشانی انسانی میتواند با سایر قرون ماضیه مطلع شود و بحال سهولت تحصیل علوم و فنون موجود کند زیرا در هر دره شرق و غرب اهالی باید چند سال تحت تکفل تا تحصیل السن نمایند تا با اشتراک بکار کنند مثلا شخصی از اهل هند یا ایران و ترکستان و عربستان بخواهد تحصیل فن طب نماید باید اول چهار سال تحصیل لشانی انگلیسی کند تا با اشتراک تحصیل طب نماید لکن لسان عمومی داشته باشد در صغر سن آن لسان را تحصیل کند بعد بهر مملکتی رود بدو آن تحصیل علوم مشغول شود و امروز اگر نفسی در زبان داشته باشد باز محتاج لشانی دیگر است اما اگر لسان عمومی باشد چه قدم آسان میشود فی الحقیقه نصف حیات بشر باید تحصیل لسان صرف شود هر کس بخواهد در یکی از قطعات علم سفر کند باید در لسان بداند تا بتواند با عموم معاشرت کند و تحصیل در لسان یک عمری خواهد اما این لسان عمومی انسان را از همه این مشقتها راحت میکند خلاصه تفهیم و تفهم منوط بلشانی و احادی است باید تولید معلوم

و حدت لسانی داشته باشند تا تفهیم و تفهم حاصل شود چه که در عالم انسان امری اعظم از تفهیم و تفهم نیست تربیت صحیح منوط بتفهم و تفهم است تعلیم علوم منوط بایست و این است بسبب تحصیل معارف عمومی و این بسبب انسان از هر امری واقف شود پس اگر وحدت لشانی باشد جمع افراد بشر با سانی یکدیگر تفهیم و تفهم حکایت کنند که دو نفر دوست بودند که لشانی یکدیگر را نمیدانستند یکی بیمار شد دیگری بقیاد او رفت رفیق از مریض پرسید باشاء که چه طوری جواب داد مردم ولی رفیق چنین فهمید که میگوید بهترم گفت الحمد لله باز باشاء پرسید چه خوردی جواب داد زهر گفت شفای عاجل است باز پرسید حکیم تو کجاست جواب داد عزرائیل گفت قدش مبارک است شخص ثالث که زبان هر دو را میدانست بر رفیق گفت میدانی چه جواب میدهی گفت چون من چنین گمان کردم که میگوید بهترم گفتم الحمد لله میگوید فلان دوا خوردم گفتم شفای عاجل است میگوید حکیم من فلان گفتم است لهذا گفتم قدش مبارک است بعد چون فهمید بعکس جواب داد خیر بخورند شد و این حکایت را نوع دیگر شنوی بیان میکند مقصد یکبیت خلاصه هر چه چیز بهتر از تفهیم و تفهم نیست و هیچ چیز از عدم تفهیم و تفهم بدتر تر هر کس گیر کرد میداند چگونه انسان تخمیر میماند هیچ نمیداند چه میکند از هر چیز باز میماند اما چون وحدت لشانی حاصل شود همه مشکلات حل گردد الحمد لله لسان سپر انقباض پیدا شد و این از خصائص این قرن و از اعظم مشروعات است تا بحال عالم انسانی

این استعداد داشت در قرون ماضیه فی الحقیقه
 بخاطر نماید و ممکن نبود زیرا اباب عاشت و ذهاب
 و ایاب اینگونه فراهم نبود حلا و ساد نقلیه و ارتباط
 از هرگونه بسیار لهذا ترویج لسان واحد در جمیع بلاد
 ممکن حضرت بهاء الله پناه سال پیش کتاب
 اقدس را مرقوم فرمود از جمله تعالیم الهیه در
 آن کتاب اقدس اینست که باید يك لسان عمومی
 ایجاد شود و در جمیع مدارس تعلیم گردد و فوائد
 آن چنین و چنان حال الحمد لله لسان اسپرانتو
 اختراع شده لهذا من میگویم که جمیع بهائیان شرف
 تحصیل کنند عنقرب در شرف انتشار خواهد
 یافت و خواهش دارم نهایت (اهتمام)
 در تحصیل و ترویج آن بنمایند زیرا یومی که انبیاء
 بیان کرده اند یوم وحدت علماء انسانی است
 که گرگ و میش از یک چشمه بنوشند شیر و آهو
 در یک چراگاه بچرند یعنی امر مختلف با هم الفت
 نمایند ادیان متضاد متحد شوند و الا گرگ
 و میش هرگز با هم بچرند میش همیشه غذای
 گرگ بود اگر گرگ ندرد و نخورد بمیرد پس
 مقصد نفوس مختلفه و مذاهب و اجناس متفرقه است
 که با هم الفت نمایند و متحد شوند امروزان
 روز است پس هر چه بابت اتحاد است خوب است
 و نافع و اعظم وسیله وحدت لسان است که عالم
 انسا ف لسان عالم واحد کند سو تفاهم
 ادیان از لیل نماید شرق و غرب را دست
 آغوش یکدیگر دهد وحدت لسان عالم
 انسانی را یک عالم کند وحدت لسان و لسان
 بعید را وطن واحد نماید و قطعات خسته
 را قطع و واحد زیرا لسان یکدیگر را میداند و
 این سبب میشود که نادانی از میان میرود هر

4
 طفل این سبب تحصیل علوم میکند و محتاج بدو
 لسان و غیر یکی لسان و لسانی یکی لسان عمومی
 ممکن بجائی رسید که لسان و لسانی هم احتیاج
 ندارد دیگر چه موهبتی اعظم از اینست و چه
 راحتی برای انسان بهتر از این عالم است حاجت
 میشود چنانچه میگویند لسان اهل جنت لسان
 واحد است علماء سوسیت آیین مکتوبه گویند که کتب
 بسیار شود اختراعات مزاید نماید ضایع ترقی
 کند فلاح ترقی یابد زیرا ملل از یکدیگر بی
 خبر نمایند چون لسان واحد است شرف
 از فیوضات غرب است نفاذ کند غرب را نور
 شرق شود خلاصه باین سبب عالم
 انسانی علاج میگردد ترقیات فوق العاده حاصل
 گردد يك مملکت وقتی لسان یکدیگر را ندانند چه
 قدر مشقت دارند و اگر بدانند چه قدر
 سهولت حاصل می یابند لهذا امیدوارم این
 لسان اسپرانتو بزودی تعمیم و در جمیع عالم
 انتشار یابد تا کل در نهایت الفت و یکانگی
 زندگانی نمایند

لَوْحٌ مِّبْرَکٌ

این لوح است که در این ایام از قبل الطاهر حضرت عبد
 بافتخار مستر چارلز ماسون ری می نازل شده است

و شکرتم جناب سرری علیه بحسب اللہ
 هو الله

ای جوان نورانی عزیز روحانی من نامه تو رسید
 و از قرانتش چنان مستر حاصل شد که وصف نتوانم
 زیرا دلیل بر علو فطرت و قوت همت و خلوص است

مقصود نفوس مختلفه و مذاهب و اجناس متفرقه است
 که با هم الفت نمایند و متحد شوند امروزان
 روز است پس هر چه بابت اتحاد است خوب است
 و نافع و اعظم وسیله وحدت لسان است که عالم
 انسا ف لسان عالم واحد کند سو تفاهم
 ادیان از لیل نماید شرق و غرب را دست
 آغوش یکدیگر دهد وحدت لسان عالم
 انسانی را یک عالم کند وحدت لسان و لسان
 بعید را وطن واحد نماید و قطعات خسته
 را قطع و واحد زیرا لسان یکدیگر را میداند و
 این سبب میشود که نادانی از میان میرود هر

تو است عبد البهار اسریر بانگونی تراورد است اگر
 جمع لذات جسمانی جمع شود بخاطر عبد البهائا
 خطور نماید که راحت و لذتی در جهان هست
 ولی چون نفعه مشکباری از گلشن قلوب یارک
 بشام برسد چنان فرجی دست دهد که بی
 اختیار بشکرت جمال یارک پر جانزد که چنین
 بندگانی تربیت فرموده است باری از نامر شما
 بی نهایت سرور و این فکر شما بسیار موافق
 امید و اراده که یک اهتزاز جدیدی در قلوب اجتناباً
 حاصل گردد و ثبوت و استقامتی عظیم حصول
 یابد و سبب هدایت دیگران شود پس با قوتی
 روحانی و عزه و ارادتی آسمانی و لسانی ناطق و
 قلبی بر شانه رحمت الله الواح را بدست گیرد
 مجموع دیار سفر کن حتی جزایر هونولولو در
 جمیع شهرهای امریک سفر نما و جمیع را ثبوت
 بر شایق بخوان و جمیع را از یاد عشاق مرت
 کن و بشر نجات الله دلالت نما فریاد -
 یا بهار الالهی - بلند کن و نعم -
 یا علی الاعلی - بخت و یاران را بیدار
 کن که امتحانی عنقریب بمیان آید شاید نفوس
 ظاهرات و باطن مذیذب با صفحات روح
 نایب را در عشاق الهی مست کند بیدار باشد
 بجز اثر نقض کلام گیرند شب و روز بگرشند
 تا انوار ملکوت الهی جهان گیر گردد و ظلمات
 ضلالت بکلی نایل شود

جمیع را تحت ابدع ابره ابداع دار علی الخصوص امر الله
 مسپار و سنز و امر الله مسپار و امر الله مسپار هنز
 و امر الله مسپار و سائر اجبای الهی و اما و صرک
 و علیک البهائا الالهی عبد البهائا عباس
 تجربیات - آفرین مترجمی صد هزار سال

ای "مرد این مع" فی الحقیقه این ذات یارک
 از روزی که مؤمن شد تا بحال همیشه فکرش
 و عقلش و قلبش و روحش در خدمت این
 یارک بوده و هست . الحمد لله در این
 ظهور اعظم از تأییدات جمال قدم حضرت تیرا الله
 وقوع عهد مرکز میثاق حضرت عبد البهائا نفوس
 بسیار هستند در جمیع جهان که نهایت امانت
 خدمت امر الله و ان ترویج صلح و سلام و رفع
 علم و وحدت عالم انسانی و نصرت عمر الهی
 و این نفوس در جمیع شئون موفقتند و آثار
 اعمال و نتایج افعالشان واضح و مشهود و بچشم
 میفرمایند " انا نقر من قامر علی خدیة الامین
 یخود من الملائکة الاعلی و قبل من الملائکة المقربین

انچه ایچین از عمر کجا در نیویورک

در ۲۶ ماه (آپریل) پنجم انجمن عمومی نمایندگانی
 مجالس بهائی امریک برای ساختن مشرف
 الاذکار شیکاغو امسال بحسب الامر در شهر
 غیر از شیکاغو باید منعقد شود لهذا کمیته اجرائی
 قرار دادند که در شهر نیویورک جمع خواهند
 شد و از وحدت بشر و مسائل متعلقه بر این
 معبد عمومی و توابع آن صحبت خواهند نمود
 این انجمن چهار روز جلسه هایش طول
 خواهد کشید و معنویات همگی را در
 اجراء خدماتی و استحکام روابط اتحاد
 و اتفاق و تشویق و تحریض خواهند نمود
 چون این اجتماع عظیم در ایام عید سعید
 مبارک ضواریت واقع می شود لهذا سرور
 و انجذاب یاران الهی بیشتر خواهد شد .

تَبَرُّكٌ وَنَامَةٌ

از لندن به شیخانوار ادرع جریده مبارکه فرج چلتن

این عبد از طرف خود و جمیع اعیای الهی و آما
رحمن انگلستان این عید مبارک و نوروزی
فیروز را بر جمیع اعیای شرق و غرب خکورا
و اناقا و قارین محترمین جریده مبارکه از صمیم
قلب تبریک میگویم خادم جمیع اعیای الهی
عبد فاقف
لطف الله حکیم

نجم باختر

اعیای شیخانوار جمیعاً در خانه مسر کورین برو
انز برای عید نوروز جمع شده اند و بکمال قصه
و اقبال مناجات خوانند و بدگر خیر جمیع اعیای
شرق و غرب مشغول گشته و بعد از صرف شیرینی
و مطبات با نهایت سرور و اشتغال و انجذاب مجلس
منصرف شده

امیر هستند مدینه ناپید که متعلق با حیات و فوئها لان
بوسا اله در اینجا مشغول تحصیل علوم و فنون یافته هستند در کمال
خوشی و ازلت و فقط نقداً محتاج بیک نفر معلم کامل فرانسه است
و اگر ممکن شود در آن منجات معلم فرانسه دان کامی که اولاً محض
خدمت باسرتیوان که در راه به چهره توان یا جزئی زیادتر آگفتا اید فرام
شود و خلاصاً لوجه الله مسافرت باین و تو نماید اسباب ترقی این
فونها لان برستان الهی گردد و میدانید که چون این فونها
نقطه مقابل مثل مدینه الیانس را دارد اگر چیزی که داشته
باشد شاگردان رجوع بمدینه آنها خواهند نمود
امیدوارم که در این خصوص بذل مرعفی فرموده و تفحص
فرمائید شاید شخصی فراهم شود

نجم باختر همیشه امیدوار هستیم که همین اخبارت خوش
از جمیع بلاد شرقی باید در امریکا فرانسه و انا
بیار که است بلکه هیچ نیست و از آنجمله پاریس
یا در خود شرق لابد که یک نفر معلم پیدا می شود
و این فرصت را غنیمت می شمارد زیرا از برای جمیع اعیای
علم و تعلیم حیات ابدی است

اخبار احوالات

چاپ

اینبار پس تاریخ ۱۸ ما یح ۱۹۱۳ آقامین ز العبد صبر از نوشتند
المحدثه صحت بالک خوب است فرخ اصبیه مالک و حاکم
و آقامین ز اجلال (ورضوانه خانم) وارد پاریس خواهند
آمد و حضرت مرط الوی و آقامین ز علی خان پیر حضرت تاج پاریس
بجهد استقبال و رهبری فرستادند مبارک از آلمان
صورت تلکراف استوت نهارت ۲ آوریل بشیخانوار بغدادی با فرج و سرور استواریت سیریم عیال
از همدان تاریخ ۱۱ اکتوبر ۱۹۱۳ جاری اقامت کلیمی نوشتند
از اوضاع امری این سامان استعاره فرماید که الحمد لله کمال خوشی است
و روز بروز هر روزی و علو و سموات و انتشار نجات الهی شود و محافل و
بالمیل این معتقد و برقرار است و کل شغل و منجیا مشغول انجام خواهد

چاپ مجموعه رسوم و عکسهای مساحت اقدس
یعنی روضه مبارکه و مدینه عکا و باغ رضوان
و کوه کربل و سجن و قصر و مسافر خانه بهیج و جمیع
نقاط اراضی مقدسه که بقدر مبارک جمال
مبارک حضرت بهاء الله و مرکز مشایق حضرت
عبد البهاء مشرف گشته در این آثار چاپ
شده هر کس بخواهد از این ادرع بطبند
قیمت هر یک مجموع با عکس مبارک حضرت
عبد البهاء در الی و ربع و بدون عکس
یک حال راست